

تحلیل احساس اثرمندی سیاسی معلمان

(مورد مطالعه : معلمان شهرستان نیشابور در سال ۱۳۸۷)

علی یوسفی^۱، محمدرضا سلیمانی^۲

چکیده

احساس اثرمندی سیاسی دارای دو بعد درونی و بیرونی است. بعد درونی آن دلالت بر توانایی افراد در تاثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی و بعد بیرونی آن دلالت بر درک پاسخگوئی حکومت دارد. از ترکیب این دو بعد، چهار حالت عمده شامل دلگرمی سیاسی، بی تفاوتی سیاسی، نومیدی سیاسی و اعتراض سیاسی حاصل می شود. تغییر حالات چهارگانه اثرمندی موکول به تغییر سطح اعتماد سیاسی، مشارکت انتخاباتی، علاقه سیاسی، ترجیح ایدئولوژیک و پایگاه اجتماعی اقتصادی است. نتایج تحلیل ثانویه حاضر که از یک نمونه ۲۰۰ نفری از معلمان شهرستان نیشابور حاصل آمده، نشان می دهد اولاً احساس اثرمندی سیاسی معلمان در بعد درونی کمتر از حد متوسط (۴۸،۹) و در بعد بیرونی کمی بیش از حد متوسط (۵۶،۶) است. ثانیاً حالت دلگرمی سیاسی با ۵۲،۸ درصد فراوانی، رایج ترین حالت اثرمندی سیاسی معلمان و پس از آن حالت بی تفاوتی سیاسی با فراوانی ۳۹،۲ درصد قرار دارد. ثالثاً از بین متغیرهای پیش بین اثرمندی سیاسی، دو متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی، اثر تعیین کننده تری بر تغییر حالات اثرمندی سیاسی (از بی تفاوتی به دلگرمی سیاسی) دارند. آنچه ناگفته نماند ۵۸ تا ۷۸ درصد از تغییر حالات اثرمندی، موکول به تغییر سطح اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی برآورد گردیده است. رابعاً با آگاهی از قوت و ضعف اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی معلمان، در ۹۲،۳ درصد از موارد حالت دلگرمی و در ۸۴،۲ درصد از موارد، حالت بی تفاوتی سیاسی آنها را به درستی می توان پیش بینی نمود.

کلید واژه ها : احساس اثرمندی سیاسی درونی، احساس اثرمندی بیرونی، مشارکت انتخاباتی، اعتماد سیاسی، علاقه سیاسی، ترجیح ایدئولوژیک، پایگاه اجتماعی

^۱ دانشجویار جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) : yousofi@um.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی از دانشگاه فردوسی مشهد : m_soleimany_r10@yahoo.com

در حالیکه مشارکت و دخالت مردم در فرایندهای سیاسی از مهمترین ساز و کارهای برقراری نظام سیاسی مردم سالار است اما این امر خود از این احساس مشارکت کنندگان تبعیت می کند که اولاً آیا شرکت در فرایندهای سیاسی بویژه شرکت در انتخابات، تاثیری در سرنوشت سیاسی آنها دارد یا خیر؟ ثانیاً در صورتی که آنها در این فرایند شرکت نمایند دولت به نتایج حاصل از آن تن خواهد داد یا خیر؟ در ادبیات جامعه شناسی سیاسی از این احساس مشارکت کننده تحت عنوان «احساس اثرمندی سیاسی»^۳ یاد می شود. استفاده از این مفهوم در مطالعه و تحلیل رفتار سیاسی اهمیت زیادی پیدا کرده و از زمان ورود آن به ادبیات سیاسی (لین، ۱۹۵۹)، تاکنون بطور مداوم و پیوسته مورد بحث و بررسی قرار گرفته و این باور در بین محققین بوجود آمده که " اثرمندی سیاسی، یک عامل اساسی برای مشارکت و باورهای مرتبط با اعتماد به حکومت و وقایع سیاسی است...." (هاردر^۴، ۲۰۱۰: ۴). اصطلاح احساس اثرمندی سیاسی ابتدا بعنوان پیش گو یا پیش بینی کننده رفتار سیاسی بکار می رفت، اما در حال حاضر بعنوان بارومتر^۵ یا شاخص تغییرات نظام سیاسی به کار می رود (سالیوان و ریدل^۶، ۲۰۰۴). نتایج تحقیقات مختلف حاکی از این است که پایین بودن میزان احساس اثرمندی سیاسی منجر به کاهش میزان مشارکت انتخاباتی می شود (میشلسون و ملیسا^۷، ۲۰۰۰؛ کارپ و باندوسی^۸، ۲۰۰۶). رای دهندگان زمانی رای خواهند داد که احساس کنند رای آنها منشا تغییر در نظام سیاسی می شود. موقعی که اعتماد رای دهنده و گروهها به نظام سیاسی کاهش می یابد تعداد کمتری از افراد در فرایندهای سیاسی از جمله انتخابات وارد خواهند شد (یوسفی، ۱۳۸۴؛ سالیوان و ریدل، ۲۰۰۴).

احساس اثرمندی پایین در نزد مردم، علاوه بر کاهش مشارکت، پیامدهایی چون افسردگی سیاسی، بی تفاوتی و در موارد حاد آن طغیان و شورش را در پی خواهد داشت (ریبسی، ۱۳۸۰: ۲۱). بعلاوه در شرایط ضعف و فقدان اثرمندی سیاسی و انفعال سیاسی ناشی از آن، عرصه عمل ورزی سیاسی محدود به نخبگانی می شود که بر مبنای اندیشه و علاقه خود به منافع مردم شکل خواهند داد. از این رو تردیدی وجود ندارد که کم و کیف اثرمندی سیاسی در جامعه، باز نمای تغییراتی است که در درون نظام سیاسی رخ داده است و در حالت کاهش اثرمندی، تغییر درونی سیستم در جهت ضعف و زوال آن تفسیر می شود.

در تجربه سیاسی سه دهه اخیر ایران، نوسانات مشارکت انتخاباتی را تا حد زیادی می توان به نوسانات اثرمندی سیاسی نسبت داد و در شرایطی که بقاء جمهوری اسلامی به مشارکت حداکثری مردم در فرایندهای سیاسی پیوند می خورد، آگاهی از اثرمندی سیاسی شهروندان می

³ Sense of political efficacy.

⁴ Harder

⁵ بارومتر (barometer) نام وسیله ای در هواشناسی است که فشار هوا را اندازه گیری می کند. اما اصطلاحاً به هر وسیله ای که تغییرات را نشان دهد بارومتر گفته می شود.

⁶ Sullivan & Reidel

⁷ Michelson & Mellisa

تواند فهم لازم را از ماهیت فعل و انفعالات درون نظام و اینکه تغییرات مذکور در جهت استحکام یا زوال است را فراهم می آورد.

مقاله حاضر در رسدداست با انجام تحلیل ثانویه^۹ بر روی داده های یک مطالعه پیمایشی که در سال ۱۳۸۷ در بین معلمان شهرستان نیشابور به انجام رسیده اولاً تصویر روشنی از وضعیت اثرمندی سیاسی در بین معلمان این شهرستان را ترسیم نماید و ثانیاً با تکیه بر برخی از عوامل موثر بر این پدیده، نوسانات اثرمندی سیاسی در بین معلمان را تبیین نماید.^{۱۰}

پیشینه اثرمندی سیاسی

از سال ۱۹۵۹ که "لین" در اثر معروف خود به نام "حیات سیاسی" مفهوم اثرمندی سیاسی را مطرح نمود^{۱۱}، این مفهوم همواره مورد بحث محققان و صاحب نظران بوده و به عنوان یک متغیر کلیدی برای فهم رفتار سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است. احساس اثرمندی سیاسی حاصل ادراک شهروندان از شرایط و ساختار سیاسی جامعه است.

لین (۱۹۵۹)، اولین بار این ایده را مطرح نمود که اثرمندی سیاسی دارای دو بعد درونی و بیرونی است و بین این دو بعد تفاوت وجود دارد. "اثرمندی درونی"^{۱۲}، احساس این واقعیت است که فرد از مهارت‌ها و فهم ضروری برای تاثیرگذاری بر نظام سیاسی برخوردار است. اثرمندی بیرونی^{۱۳}، احساس این واقعیت است که نهادها و صاحب منصبان حکومتی، نسبت به تلاش فرد، پاسخگو هستند" (نقل از: هاردر، ۲۰۱۰: ۴). بسیاری از صاحب نظران دیگر نیز به پیروی از لین، برای اثرمندی سیاسی معنای مشابهی در ابعاد درونی و بیرونی قائل هستند (آبراهامسن^{۱۴} و همکاران، ۱۹۸۲؛ فینکل، ۱۹۸۵؛ نیمی و همکاران، ۱۹۹۱).

تفاوت بین اثرمندی درونی و بیرونی نیز دارای اهمیت است بدین جهت که اثرمندی درونی، به هویت شخصی فرد وابسته است و بعید است که به سادگی تغییر کند. اثرمندی درونی به صفات پایدار شخصیتی مثل عزت نفس متکی است و قاعدتاً نمی بایست نوسان زیادی بعد از انتخابات داشته باشد. اما اثرمندی بیرونی، ادراکی از نهادهای بیرونی است و از این جهت ممکن است به موازات اینکه افراد اطلاعات بیشتری کسب می کنند یا سیاست مداران متفاوتی ممکن است انتخاب شوند که نسبت به مسائل آنها، پاسخگو تر باشند، این احساس تغییر پیدا می کند (هاردر، ۲۰۱۰: ۴). البته برخی از صاحب نظران، بعد سوم را با عنوان "اثرمندی جمعی"^{۱۵} برای

^۹ تحلیل ثانویه (Secondary Analysis) به معنای تحلیل دوباره داده ها بر اساس مفهوم سازی جدید است.

^{۱۰} پیمایش مذکور به عنوان فعالیت پایان نامه دوره کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی در دانشگاه فردوسی مشهد، توسط محمد رضاسلیمانی با عنوان "اثر بخشی سیاسی در بین کارمندان آموزش و پرورش شهرستان نیشابور" باره نامائی علی یوسفی انجام گرفته است.

^{۱۱} Lane, R E (1959). *Political Life*. New York: Free Press

^{۱۲} Internal efficacy

^{۱۳} External efficacy

^{۱۴} Abrahamson

^{۱۵} Collective efficacy

اثرمندی سیاسی مطرح نموده اند که تاکنون مورد توجه چندانی قرار نگرفته است (نقل از : هاردر، ۲۰۱۰: ۴).

در بین تعاریف و دسته بندی های مفهومی انجام شده از مفهوم اثرمندی سیاسی شاید بیش از همه تعریف البرت باندورا (۱۹۷۷)، جلب توجه کرده باشد. وی نیز معتقد است اثرمندی سیاسی شامل دو بعد درونی و بیرونی است. اثرمندی درونی بر روی قابلیت های شخصی تأکید می کند و اثرمندی بیرونی متوجه میزان پاسخگویی دولت و بطور کلی محیط سیاسی است. او بر این باور است که از ترکیب دونوع اثرمندی درونی و اثرمندی بیرونی، چهار نوع احساس عمده سیاسی حاصل می شود. در صورتیکه اثرمندی درونی و بیرونی هر دو بالا باشند مشارکت افراد با دلگرمی^{۱۶} انجام خواهد گرفت و در مقابل اگر اثرمندی سیاسی در هر دو بعد پائین باشد به بی تفاوتی^{۱۷} سیاسی منجر می شود. پایین بودن اثرمندی درونی و بالا بودن اثرمندی بیرونی و یا بالعکس، به ترتیب به اعتراض^{۱۸} و نومییدی^{۱۹} سیاسی منجر می گردد (نقل از کارپ و باندوسی^{۲۰}، ۲۰۰۶). باندورا در نظریه خود اثرمندی^{۲۱} به این نکته تأکید دارد که وقتی افراد قادر به تاثیرگذاری بر وقایع و شرایط اجتماعی مهم در زندگی خود نباشند احساس بیهودگی^{۲۲}، نومییدی و نگرانی پیدامی کنند. (باندورا، ۱۹۸۲: ۱۴۰). به نظر باندورا بین احساس خودبی اثری^{۲۳}، بیهودگی و نومییدی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

او در نظریه خود اثرمندی، بین دو منبع قضاوتی احساس بیهودگی تمایز ایجاد می کند: "افراد ممکن است از تلاش خود دست بکشند به این دلیل که فکر می کنند نمی توانند به نتایج مورد انتظار خود برسند. یا ممکن است به توانائی های خود مطمئن باشند اما با این وجود از تلاش دست بردارند بدین جهت که فکر می کنند تلاش آنها به دلیل محدودیت ها و بازدارندگی های محیطی نمی تواند به نتیجه مورد انتظار برسد. این دو منبع احساس بیهودگی، علت ها و روش های مداخله کاملاً متفاوتی دارند. در حالیکه تغییر احساس بیهودگی مبتنی بر اثرمندی مستلزم تقویت قابلیت های سازنده و درک قوی از خود اثرمندی است؛ برعکس تغییر بیهودگی ناشی از عملکرد^{۲۴} مستلزم تغییر در محیط اجتماعی است، از آن جهت که افراد می توانند مزایای قابلیت های داشته خود را بدست آورند. در هر حال، بهترین پیش بینی کننده رفتار، منظور کردن همزمان عقیده به خود اثرمندی و عقیده به عملکرد یا نتیجه است. از ترکیب این دو، احساسات روان شناختی مختلفی حاصل می شود (باندورا، ۱۹۸۲: ۱۴۰).

¹⁶ Assured action

¹⁷ Apathy

¹⁸ Protest

¹⁹ Despondency

²⁰ Karp & Banducci

²¹ Self-Efficacy theory

²² Futility

²³ Self-Inefficacy

²⁴ Outcome

تحقیقات تجربی متعددی بر روی اثرمندی سیاسی و عوامل موثر بر آن انجام گرفته است. در برخی از مطالعات انجام شده بر تاثیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی بر احساس اثرمندی سیاسی تاکید کرده‌اند (کنسکی و استرود^{۲۵}، ۲۰۰۶؛ وو^{۲۶}، ۲۰۰۶؛ مک کلووسکی و همکاران، ۲۰۰۴). برخی دیگر اثر متغیرهای فرهنگی و نژادی را بر روی احساس اثرمندی سیاسی مورد مطالعه قرار داده‌اند (میشلسون و ملیسا، ۲۰۰۰؛ وو). برخی از تحقیقات اثر آموزش‌های سیاسی و آموزش مبارزات تبلیغاتی بر اثرمندی سیاسی را نشان داده‌اند (کلینکner و ماریانی^{۲۷}، ۲۰۰۶؛ فینکل، ۱۹۸۵). برخی از مطالعات، اثر گرایش‌های سیاسی از قبیل علاقه سیاسی و هویت حزبی را بر احساس اثرمندی سیاسی مورد سنجش قرار داده‌اند (کنسکی و استرود، ۲۰۰۶؛ استون، ۱۹۷۵؛ اینگار، ۱۹۸۰). مطالعات دیگر تأثیر پایگاه اجتماعی اقتصادی را بر اثرمندی سیاسی بررسی کرده‌اند (آلموند و وربا^{۲۸}، ۱۹۶۳، ۱۹۸۹؛ میلبراث و گوئل، ۱۹۷۷؛ وو، ۲۰۰۳؛ کوهن و وستیمر، ۲۰۰۶). مطالعاتی هم رابطه اثرمندی سیاسی و اعتماد سیاسی را بررسی کرده‌اند (اندرسون و گیلوری^{۲۹}، ۱۹۹۷؛ کوهن و وستیمر، ۲۰۰۶) براساس تحقیقات انجام شده، پیش‌نیازهای لازم برای شکل‌گیری احساس اثرمندی سیاسی را می‌توان در ذیل چهارعنوان کلی بازشناسی نمود:

۱. زمینه سیاسی

متن یا زمینه سیاسی به کمک دو شاخص شفافیت پاسخ دهی (مسئولیت) و شفافیت گزینه‌ها یا کاندیداهای در دسترس، موجب درک رأی دهندگان از پاسخ دهی مقامات دولتی می‌شود. شفافیت یا وضوح مسئولیت، اهمیت توزیع مسئولیت را آشکار می‌سازد (پاول و ویتن^{۳۰}، ۱۹۹۳). مفهوم اصلی آن شامل قدرت حزبی، دو مجلسی بودن یا اپوزیسیون، سطوح نمایندگی (مستقیم بودن یا چند درجه‌ای بودن) و حمایت پارلمان می‌شود. اما بعداً این مفهوم تغییر شکل داده و تنها شامل سه معنی متفاوت و اما قابل درک‌تر شد که عبارتند از نیرو یا قدرت، قدرت شریک کردن و پایداری. بطور ویژه این مفاهیم اینگونه در نظر گرفته می‌شوند: حمایت پارلمان از دولت، آیا قدرت بین چند بازیگر تقسیم می‌شود (شریک کردن در قدرت) به عبارتی دولت یا مجلس تک حزبی یا چند حزبی است و مدت زمانی که دولت در قدرت مانده است.

دومین جنبه از متن یا زمینه سیاسی مربوط به گزینه‌ها (نامزدهای انتخاباتی) است. پاول (۲۰۰۰) قابلیت شناسایی دولت‌های آینده را مطلب عمده و مهمی برای تعهد رأی دادن می‌داند. زیرا اساس رأی، رأی دهندگان وعده‌ها و قول‌های احزاب است. قابلیت شناسایی کاندیدها برای رأی دهنده‌ها نسبت به استراتژی‌های دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است. اندرسون (۲۰۰۰) که ترجیح می‌دهد درباره روشن‌ی و وضوح کاندیداهای در دسترس صحبت کند، نشان می‌دهد که اگر

²⁵ Kenski & Stroud

²⁶ Wu

²⁷ Klinkner & Mariani

²⁸ Almond & Verbal

²⁹ Anderson & Guillory

³⁰ Powell & Witten

کاندیداهای خوبی برای پاداش دادن به رأی دهندگان وجود نداشته باشد، احتمال کمتری برای شرکت در انتخابات برای رأی دهنده‌ها وجود دارد و دور از انتظار نیست در محیطی که گزینه‌های روشن و خوب در دسترس نباشد، شهروندان، سیستم سیاسی را کمتر پاسخگو بدانند. لازمه دسترسی به کاندیداهای خوب، فضای آزاد انتخابات می‌باشد همانطور که «بی تام» می‌گوید: انتخابات آزاد و عادلانه یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده نظام‌های مردم سالار و بخش جدایی‌ناپذیر از دموکراسی است. رقابت در انتخابات، عمده‌ترین ابزاری است که مقامات دولتی را ناگزیر به پاسخگویی در مقابل مردم و پذیرش به نظارت آنها می‌کند. خاصیت مهم دیگر انتخابات آزاد، تضمین برابری سیاسی بین شهروندان، هم در زمینه دستیابی به سمت‌های دولتی و هم در مورد ارزش رأی آنهاست (مقصودی، ۱۳۸۵).

۲. ویژگی‌های شخصی

سه دسته ویژگی شخصی را برای فهم اثرمندی سیاسی می‌توان از هم تفکیک نمود: اولین گروه شامل ویژگی‌های جمعیتی اقتصادی و اجتماعی است که متغیرهایی از قبیل سن، جنس، و آموزش و داشتن یا نداشتن شغل است. دومین دسته، پایگاه اجتماعی اقتصادی و دانش سیاسی افراد است و سومین دسته شامل فعالیت‌های سیاسی است. صاحب نظرانی همچون پاتمن (۱۹۷۰) و باربر (۱۹۸۴) بیان می‌کنند که مشارکت دموکراتیک باعث تشویق شهروندان و در نهایت باعث می‌شود شهروندان به فرایندهای سیاسی و اعمال دموکراتیک توجه بیشتری داشته باشند. آلموند و وربا (۱۹۶۳، ۱۹۸۹) نشان دادند که تمرین و تجربه تصمیم‌گیری در نواحی و مناطق مختلف هم با مشارکت انتخاباتی مرتبط است و هم با عقیده و باور به اینکه می‌توانند در دولت تأثیر بگذارند. فعالیت سیاسی دو نوع اندازه‌گیری را شامل می‌شود: ۱- فعالیت سیاسی در بین انتخابات ۲- رأی دادن در انتخابات جاری

۳. گرایش‌های فردی

گرایش‌های فردی، از دیگر پیش‌نیازهای اثرمندی سیاسی هستند که برای آن چهار بعد متفاوت در نظر گرفته می‌شود:

الف- حمایت سیاسی: ایستون (۱۹۷۵) و اینگار (۱۹۸۰) اهمیت زیادی برای ارزیابی از نحوه پاسخگویی دولت بیان کرده‌اند. فرد در صورتی از نظام حمایت خواهد کرد که اولاً نظام سیاسی را مشروع قلمداد کند و ثانیاً ارزیابی مثبتی از نحوه عملکرد نظام سیاسی داشته باشد. رفیع پور در کتاب توسعه و تضاد هسته اصلی تعیین‌کننده مشروعیت نظام حاکم از سوی مردم را چنین بیان می‌کند:

- پذیرش آن نظام از سوی مردم
- مثبت ارزیابی کردن نظام از سوی مردم
- موجه و قانونی تلقی کردن نظام از سوی مردم (رفیع پور، ۱۳۸۰).

آنتونی گیدنز تعریف زیر را برای مشروعیت ارائه داده است: «مشروعیت یعنی کسانی که تابع اقتدار یک حکومت‌اند، با آن موافق باشند. اقتدار به معنای کاربرد مشروع قدرت از سوی حکومت است (گیدنز، ۱۳۸۶). و نیز قوام در کتاب چالش‌های توسعه سیاسی، مشروعیت را اینگونه تعریف کرده است: «مشروعیت به معنای ظرفیت نظام‌های سیاسی برای ایجاد و حفظ اعتقاد به این اصل است که نهادهای سیاسی موجود در جامعه از صحت عمل برخوردار هستند و تأسیس نهادهای مزبور به منظور رفع نیازهای جامعه می‌باشد. مشروعیت نظام‌های سیاسی بیشتر معلول موفقیت آنها در حل و فصل اختلافات درونی نظام‌ها و از میان بردن تفرقه در جامعه است (قوام، ۱۳۷۹).

ب- ترجیح حزبی: رأی دهندگانی که ترجیح حزبی روشنی دارند و اعلام می‌کنند که یکی از احزاب رقابت‌کننده، دیدگاهشان را بطور منطقی تری بیان می‌کند، دید مثبت تری نسبت به پاسخگویی دولت دارند تا نسبت به کسانی که فاقد این ترجیح هستند.

پ- موقعیت رأی دهندگان به عنوان برندگان یا بازندگان: افرادی که به یک «حزب دولت» رأی داده‌اند (حزبی که حکومت می‌کند و یا یکی از احزاب ائتلافی حکومت است) به احتمال بیشتر به این که دولت پاسخگوی نیازهای آنهاست، باور دارند (اندرسون و گیلوری، ۱۹۹۷). شهروندانی که اعلام کنند به یکی از احزاب تشکیل‌دهنده دولت بعد از انتخابات، رأی داده‌اند، بعنوان برندگان به شمار می‌آیند.

ث- ترجیح سیاسی ایدئولوژیک: رأی دهندگان با ترجیحات ایدئولوژیک روشن احتمالاً بیشتر مراقب‌اند، چه کسی به قدرت می‌رسد، یا به رأی دادن اهمیت بیشتری می‌دهند و خود را بیشتر در وسط میدان و معرکه قرار می‌دهند (بنگستون^{۳۱}، ۲۰۰۵). ترجیح سیاسی ایدئولوژیک می‌تواند ناظر به حفظ، اصلاح یا تغییر ساختار سیاسی موجود، معطوف باشد که در این صورت به ترتیب می‌توان به عنوان ایدئولوژی محافظه کار، اصلاح طلب و رادیکال از آن یاد کرد.

تعریف اثرمندی سیاسی

با الهام از تعاریف موجود بویژه میلبراث و گوئل (۱۹۷۷)، اثرمندی سیاسی را به طور کلی می‌توان احساس تأثیرگذاری فرد بر سیاست تلقی نمود و بر مبنای تاکید مورد توافق صاحب نظرانی همچون لین (۱۹۵۹ به نقل از هاردنر، ۲۰۱۰)، باندورا (۱۹۸۲، ۱۹۷۷)، آلموند و وربا (۱۹۶۳، ۱۹۸۹) و نیمی و همکاران (۱۹۹۱) برای احساس اثرمندی سیاسی می‌توان دو بعد اساسی قائل شد:

۱. احساس اثرمندی سیاسی درونی: درک از فرایندهای سیاسی و توانایی تأثیرگذاری بر آنها.
 ۲. احساس اثرمندی سیاسی بیرونی: درک از پاسخگویی حکومت در قبال تقاضاهای مردم.
- با الهام از نظریه خوداثرمندی باندورا (۱۹۸۲، ۱۹۷۷) از ترکیب ابعاد درونی و بیرونی اثرمندی، چهار حالت عمده اثرمندی سیاسی را مطابق با شرح ذیل می‌توان از هم تفکیک نمود^{۳۲}.

³¹ Bengtsson

³² باندورا (۱۹۸۲)، چهار نوع احساس اثرمندی را از ترکیب قضاوت خود اثرمندی (self-efficacy judgment) و قضاوت عملکردی (outcomes judgment) نتیجه می‌گیرد (باندورا، ۱۹۸۲: ۱۴۱-۱۴۰).

الف. دلگرمی سیاسی: ناظر به حالتی است که احساس اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی فرد مثبت باشد یعنی فرد هم نسبت به تاثیرگذاری عمل سیاسی یا انتخاباتی خود بر نظام تصمیم گیری و هم نسبت به پاسخگوئی دولت، قضاوت مثبت داشته باشد.

ب. نومیدی سیاسی: بیانگرحالتی است که احساس اثرمندی سیاسی درونی فرد منفی اما احساس اثرمندی سیاسی بیرونی وی ، مثبت باشد. بدین معنا که فرد در مورد پاسخگوئی دولت، قضاوت مثبت اما نسبت به تاثیر عمل سیاسی و انتخاباتی خود نامطمئن باشد.

ج. اعتراض سیاسی: حاکی از حالتی است که احساس اثرمندی سیاسی درونی فرد مثبت اما اثرمندی بیرونی او ، منفی است. درچنین وضعیتی ، فرد نسبت به پاسخگوئی دولت، مطمئن اما نسبت به تاثیر عمل سیاسی و انتخاباتی خود نامطمئن است.

چ. بی تفاوتی سیاسی: حالتی را بیان می کند که احساس اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی فرد ، منفی باشد. دراین حالت فرد نسبت به تاثیرگذاری عمل سیاسی یا انتخاباتی خود و همچنین پاسخگوئی دولت، قضاوت منفی دارد.

چهارنوع حالت اثرمندی مذکور به نتایج متفاوتی از حیث عمل سیاسی منجر می گردد. چنانکه دلگرمی سیاسی، شوق مشارکت را بالا و بالعکس روحیه اعتراضی، مشوق ترک فعالانه سیاست یا بایکوت سیاسی می گردد. نومیدی سیاسی به ترک انفعالی یا کناره گیری از سیاست و بی تفاوتی سیاسی به دلزدگی از سیاست منجر می گردد. چهارنوع عمده اثرمندی سیاسی را مطابق شکل ۱ می توان نمایش داد.

شکل ۱: حالات اثرمندی سیاسی

اثرمندی سیاسی بیرونی			
پائین	بالا		
بی تفاوتی سیاسی	نومیدی سیاسی	اثرمندی سیاسی درونی	پائین
اعتراض سیاسی	دلگرمی سیاسی		بالا

عوامل موثر بر اثرمندی سیاسی

براساس آنچه نظریه پردازانی مانند آلموند و وربا (۱۹۶۳، ۱۹۸۹)، میلبراث و گونل (۱۹۷۷)، کنسکی و استرود (۲۰۰۶) و "وو" (۲۰۰۳) در خصوص پایگاه اجتماعی اقتصادی بیان کرده اند انتظار می رود افرادی که از سطح تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی بالاتری برخوردارند، احساس تاثیرگذاری بیشتری بر حکومت و تصمیمات آن داشته باشند. بالا بودن شاخص های پایگاه اجتماعی اقتصادی در فرد بر اساس آنچه آلموند و وربا (۱۹۶۳) گفته اند باعث می شود فرد با اعتماد به نفس بیشتری در بحث های سیاسی وارد شده و مباحث سیاسی را پیگیری کند و در نتیجه علاقه سیاسی خود را افزایش دهد که این از یک طرف طبق تحقیقات انجام شده (کنسکی و استرود، ۲۰۰۶؛ پارکر، ۲۰۰۹) باعث افزایش حس اثرمندی سیاسی فرد شده و از طرفی باعث می شود فرد عضو انجمن ها

و احزاب سیاسی شده و از طریق رسانه‌ها و جلسات سخنرانی و همایش‌ها و تعاملات با افراد دیگر حزب، مباحث سیاسی را پیگیری کند.

نتایج تحقیقات کنسکی و کات (۲۰۰۶) نشان می‌دهد تلاش فرد برای پیروزی و هواداری از حزب مورد نظرش، احساس اثرمندی سیاسی او را بالا می‌برد. از طرفی، طبق آنچه استون (۱۹۷۵) و اینگار (۱۹۸۰) بیان کردند، هویت حزبی فرد باعث حمایت و ارزیابی مثبت از عملکرد حزب دلخواه خود در صورت پیروزی در انتخابات و بدست گرفتن امور کشور می‌شود.

بر طبق نظریه مبادله هومنز و آنچه رنسون (۱۹۷۴) بیان کرده‌اند، وقتی سیستم سیاسی به درخواست‌های شهروندان جواب مثبت می‌دهد، شهروندان احساس می‌کنند سطح بالایی از اثرمندی سیاسی بیرونی وجود دارد. بعلاوه اگر انتظارافراد از دولت برآورده شود یا به عبارتی پاداش مناسب دریافت کرده باشند، ارزیابی مثبتی از عملکرد دولت خواهند داشت و احتمالاً بیشتر در انتخابات شرکت خواهند کرد و طبق آنچه فینکل (۱۹۸۵) بیان کرده، کسی که در انتخابات شرکت کرده، فضا و محیط انتخاباتی را مثبت و اثربخش برای رفع نیازها و رسیدن به مطالبات ارزیابی می‌کند. از سوی دیگر شرکت یا عدم شرکت در انتخابات مستلزم نوعی باور یا ایدئولوژی سیاسی است (بنگسون، ۲۰۰۵؛ کنسکی و استرود، ۲۰۰۶) یا متکی به این باور است که وضع موجود سیاسی مناسب است و با رای خود درصدد تداوم آن برمی‌آید. یا وضع موجود را نیازمند تغییر و اصلاح می‌داند و در رای خود آنرا جستجو می‌کند و حالت سوم این است که چارچوب موجود سیاسی را اساساً قابل قبول نمی‌داند و احتمالاً از ورود به انتخابات اجتناب می‌ورزد. معمولاً این سه نوع باور ایدئولوژیک، مبنای فعالیت و هویت حزبی نیز قرار می‌گیرد یعنی احزاب سیاسی نیز غالباً به دنبال همین باورها وارد عرصه سیاسی می‌شوند. از این رو، ترجیحات سیاسی ایدئولوژیک (محافظه کار، اصلاح طلب و رادیکال) هویت حزبی را نیز پوشش می‌دهد و آگاهی از ترجیح ایدئولوژیک، تاحدیادی به منزله آگاهی از ترجیح حزبی نیز محسوب می‌شود.^{۳۳}

بدین ترتیب با الهام از سوابق نظری و تجربی، اثرمندی سیاسی در اشکال چهارگانه (دلگرمی سیاسی، بی تفاوتی سیاسی، اعتراض سیاسی و افسردگی سیاسی) را به طور عمده می‌توان متاثر از پنج عامل اساسی به شرح ذیل دانست:

- ۱- پایگاه اجتماعی - اقتصادی (میلبراث و گوئل (۱۹۷۷)؛ آلموند و وربا، ۱۹۶۳، ۱۹۸۹؛ کنسکی و کات، ۲۰۰۰؛ وو، ۲۰۰۳؛ کوهن و وستیمر، ۲۰۰۶)
- ۲- علاقه سیاسی (استون، ۱۹۷۵؛ اینگار، ۱۹۸۰؛ پارکر، ۲۰۰۹؛ کنسکی و کات، ۲۰۰۰؛ کنسکی و استرود، ۲۰۰۶).

^{۳۳} البته لازمه این امر، مرزبندی شفاف در بین ایدئولوژی‌های سیاسی و به تبع آن در بین احزاب سیاسی است. در غیر این صورت، ممکن است جابجائی و تداخل عقیده سیاسی در بین هویت‌های حزبی بوجود آید مثلاً ممکن است بعضی احزاب اصلاح طلب، ایدئولوژی محافظه کارانه و یا احزاب محافظه کار، ایدئولوژی اصلاح طلبانه داشته باشند.

۳- اعتماد سیاسی (ایستون، ۱۹۷۵؛ اینگار، ۱۹۸۰؛ اندرسون و گیلوری، ۱۹۹۷؛ کوهن و وستیمر، ۲۰۰۶).

۴- مشارکت انتخاباتی (آلموند و وربا، ۱۹۶۳، ۱۹۸۹؛ پاتمن، ۱۹۷۰؛ باربر، ۱۹۸۴؛ فینکل، ۱۹۸۵)

۵- ترجیح حزبی و ترجیح ایدئولوژیک (استون، ۱۹۷۵؛ اینگار، ۱۹۸۰؛ کنسکی و کات، ۲۰۰۰؛ بنگتسون، ۲۰۰۵).

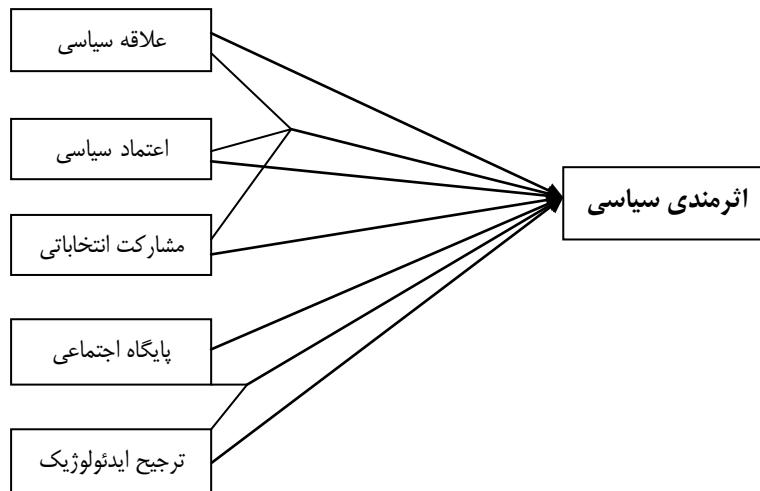
فرضیات اساسی

۱. اثرمندی سیاسی با حالات چهارگانه دلگرمی سیاسی، بی تفاوتی سیاسی، اعتراض سیاسی و افسردگی سیاسی، تحت تاثیرهمزمان "علاقه سیاسی"، "اعتماد سیاسی"، "مشارکت انتخاباتی"، "ترجیح ایدئولوژیک" و "پایگاه اجتماعی" است.
۲. اثرانفرادی و تعاملی "علاقه سیاسی" "اعتماد سیاسی" و "مشارکت انتخاباتی" بردلگرمی سیاسی مثبت و بر سایر حالات اثرمندی سیاسی، منفی است.
۳. تغییر حالات اثرمندی سیاسی، از یک سو تحت تاثیر "تعامل ترجیح ایدئولوژیک با پایگاه اجتماعی" و از سوی دیگر تحت تاثیر تعامل هریک از این دو مفهوم با "علاقه سیاسی" "اعتماد سیاسی" و "مشارکت انتخاباتی" است.

مطابق با صورت بندی فرضیات مذکور و روابط مفروض در بین مفاهیم نظری مورد بحث نمودار مدل تحلیل نظری اثرمندی سیاسی را می توان مطابق شکل ۲ ترسیم نمود^{۳۴}.

^{۳۴} برای جلوگیری از پیچیدگی نمودار، بخشی از روابط منظور در فرضیه سوم تحقیق (تعامل هریک از دو مفهوم ترجیح ایدئولوژیک و پایگاه اجتماعی با سه مفهوم علاقه سیاسی، اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی) در نمودار حاضر ترسیم نگردیده است.

شکل ۲: نمودار مدل تحلیل نظری اثرمندی سیاسی



روش تحقیق

داده های مورد تحلیل مقاله حاضر برگرفته از یک مطالعه پیمایشی است که در سال ۱۳۸۷ در شهر نیشابور به انجام رسیده است. روش نمونه گیری پیمایش مذکور، " نمونه گیری طبقه ای متناسب " بوده است به این ترتیب که متناسب با جمعیت معلمان نیشابور در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، ۲۰۰ نفر به صورت تصادفی برگزیده شده و با آنها مصاحبه حضوری به عمل آمده است. تعریف عملیاتی متغیرهای مورد بررسی مطابق شرح ذیل و با طرح سوال و تنظیم پرسشنامه سنجیده شده است:

- اثرمندی سیاسی: احساس تاثیرگذاری نظرو رای فرد بر تصمیمات دولت (احساس اثرمندی سیاسی درونی) و اهمیت دادن دولت به رای و نظر مردم (احساس اثرمندی سیاسی بیرونی).
- علاقه سیاسی: علاقه به بحث و گفتگوی سیاسی و پیگیری اخبار و اطلاعات سیاسی کشور
- مشارکت انتخاباتی: تعداد شرکت در انتخابات ۵ سال اخیر^{۳۵}
- اعتماد سیاسی: ارزیابی موفقیت دولت در تامین رفاه و آسایش، نظم و امنیت، آزادی عقیده و بیان و ایجاد زمینه مشارکت و دخالت در تصمیم گیری
- ترجیح ایدئولوژیک: نظر موافق بایکی از سه حالت حفظ قانون اساسی به شکل فعلی (ایدئولوژی محافظه کار)، اصلاح موادی از قانون اساسی که حق انتخاب مردم را محدود می کند (ایدئولوژی اصلاح طلب) و تغییر بنیادی و نوشتن قانون اساسی جدید (ایدئولوژی رادیکال).
- پایگاه اجتماعی اقتصادی: شاخص پایگاه اجتماعی اقتصادی حاصل ترکیب وزنی سه متغیر تحصیلات، رتبه یا پرستیژ شغل (مقطع تدریس) و حقوق ماهیانه است

^{۳۵}. این انتخابات شامل ریاست جمهوری دوره هشتم و نهم، انتخابات مجلس شورای اسلامی دوره هفتم و هشتم، انتخابات خبرگان و شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۱۳۸۵ می شود.

لازم به توضیح است که در پرسشنامه مربوط، متغیر اثرمندی سیاسی در بعد درونی و بیرونی بر حسب مقیاس ترتیبی ۵ قسمتی (از خیلی کم تا خیلی زیاد) توسط دو سوال سنجیده شده است. در مرحله تحلیل داده ها، ابتدا با ادغام گزینه های "زیاد و خیلی زیاد" به عنوان "اثرمندی بالا" و گزینه های "خیلی کم و کم" به عنوان "اثرمندی پائین" منظور شده و سپس با حذف گزینه های "بینابین" از شمول تحلیل، راه برای تلاقی دادن دو نوع اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی مطابق شرح شکل ۱ فراهم آمده است. حاصل این تلاقی، ایجاد متغیر جدید اثرمندی سیاسی با چهار مقوله دلگرمی سیاسی، نومیادی سیاسی، اعتراض سیاسی و بی تفاوتی سیاسی بوده است. در این معنا، اثرمندی سیاسی به عنوان متغیر وابسته در سطح مقیاس اسمی، متغیرهای اعتماد سیاسی، مشارکت انتخاباتی، علاقه سیاسی و پایگاه اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل در سطح مقیاس فاصله ای و دیگر متغیر مستقل، یعنی ترجیح ایدئولوژیک با سه مقوله محافظه کار، اصلاح طلب و رادیکال با مقیاس اسمی منظور شده است.

ملاک تشخیص اعتبار^{۳۶} مقیاس های اصلی (اثرمندی سیاسی، اعتماد سیاسی، علاقه سیاسی، مشارکت انتخاباتی، پایگاه اجتماعی اقتصادی و ترجیح ایدئولوژیک)، قاعده تواتر یا اعتبار صوری مقیاس هاست. بر این مبنا از مقیاس هایی استفاده شده که در پیمایش های عدیده ملی در داخل (از جمله پیمایش هویت های قومی و رابطه آن با هویت ملی در بین اقوام ایرانی^{۳۷}، ۱۳۷۸؛ پیمایش ارزش های ایرانیان^{۳۸}، ۱۳۸۱؛ پیمایش انسجام اجتماعی در ایران^{۳۹}، ۱۳۸۴) و خارجی (از معروفترین آنها مطالعات انتخابات ملی امریکا^{۴۰} (۱۹۸۴، ۱۹۹۶ به نقل از هاردن، ۲۰۱۰) مورد استناد قرار گرفته اند. با توجه به سطح سنجش متغیرها و روابط منظور شده میان آنها^{۴۱}، برای واری مدل نظری اثرمندی سیاسی (شکل ۲) از تکنیک تحلیل "رگرسیون لجستیک چند جمله ای"^{۴۲} (MLR) بهره گیری شده است. در تکنیک مذکور، متغیرهای اعتماد سیاسی، مشارکت انتخاباتی، علاقه سیاسی و پایگاه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل کواریته^{۴۳} و متغیر ترجیح ایدئولوژیک به عنوان متغیر

³⁶ Validity

^{۳۷} رجوع شود به: چلبی مسعود و همکاران (۱۳۷۸). گزارش پیمایش هویت های قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران (پیوست)، وزارت کشور، معاونت امور اجتماعی و شوراها.

^{۳۸} رجوع شود به: دفتر طرح های ملی (۱۳۸۱). پرسشنامه پیمایش ملی ارزش های ایرانیان. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

^{۳۹} رجوع شود به: یوسفی علی، مزگان عظیمی هاشمی (۱۳۸۴). گزارش پیمایش ملی انسجام اجتماعی در ایران (بخش اول، فصل ۳)، وزارت کشور، معاونت امور اجتماعی و شوراها.

^{۴۰} پرسشنامه مطالعات انتخابات ملی امریکا (ANES)، از پراستنادترین منابع برای سنجش اثرمندی سیاسی و مفاهیم سیاسی مرتبط است. رجوع شود به:

Harder J. K. (2010). *Why do people vote? The case for Political Efficacy.*

<http://www.thepresidency.org/storage/documents/Fellows2008/Harder.pdf>.

^{۴۱} اسمی بودن متغیر وابسته، وجود متغیرهای اسمی (تصنعی) و فاصله ای در فهرست متغیرهای مستقل و تعامل میان آنها، استفاده از تکنیک رگرسیون لجستیک چند جمله ای را اجتناب ناپذیرمی سازد (تک، ۱۹۹۷).

⁴² Multinomial Logistic Regression

⁴³ Covariate

مستقل عامل^{۴۴} به کاررفته است. درمدل منتخب تحلیل لجستیک اثرمندی، انواع تعامل میان کواریته ها و عامل ها، منظور شده است.

یافته‌ها:

ویژگی‌های زمینه ای معلمان

ازمجموع ۲۰۰ نمونه معلم مورد مطالعه درآموزش و پرورش شهرستان نیشابور، ۵۳/۵ درصد زن و ۴۶/۵ مرد هستند. میانگین سنی آنها ۳۹/۶ سال و میانگین سابقه اداری آنها ۱۹ سال است. ۹۶/۵ درصد آنها درسمت های آموزشی و ۳/۵ درصد دارای سمت اداری هستند. ۳۶/۵ درصد از آنها در مقطع ابتدایی، ۳۰ درصد در مقطع راهنمایی و ۳۳/۵ درصد در مقطع متوسطه، مشغول فعالیت هستند. از لحاظ مدرک تحصیلی، ۱۰٪ آنها دیپلم، ۲۱/۵٪ فوق دیپلم، ۶۰/۵٪ مدرک تحصیلی لیسانس و ۸٪ نیز دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس هستند.

شدت اثرمندی سیاسی معلمان

برحسب آماره های مندرج در جدول ۱، شدت اثرمندی سیاسی معلمان نیشابور را به شرح چندگزاره ذیل می توان توصیف نمود:

- شدت احساس اثرمندی سیاسی معلمان نیشابور در هر دو بعد درونی و بیرونی از حد خیلی کم تا حد خیلی زیاد، درنوسان بوده واین نوسان در هر دو بعد، کم و بیش یکسان است.
- احساس اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی مکمل یکدیگرند و به لحاظ آماری همبستگی بین دو احساس، نسبتاً بالاست ($r = 0.764$).
- اگرچه شدت احساس اثرمندی سیاسی معلمان در هر دو بعد درونی و بیرونی به طور عمده در اطراف میانگین درنوسان است لکن شدت این احساس در بعد درونی (۴۸,۹) کمتر از بعد بیرونی (۵۶,۶) است.

جدول ۱: آماره های شدت اثرمندی سیاسی در بین معلمان (تعداد پاسخ معتبر = ۱۹۹)

درصد نسبی	آماره ها با مقیاس ۰ تا ۱۰۰
-----------	----------------------------

⁴⁴ Factor

انحراف معیار	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	بینابین	کم	خیلی کم	
۳۲,۵	۵۶,۶	۲۱,۷	۲۴, ۲	۲۳,۷	۱۹,۲	۱۱,۱	اثرمندی سیاسی درونی ^{۴۵}
۳۲,۰	۴۸,۹	۱۵,۱	۱۹,۱	۲۸,۶	۲۰,۶	۱۶,۶	اثرمندی سیاسی بیرونی ^{۴۶}

ضریب همبستگی اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی : $r = ۰.۷۶۴$

حالات چهارگانه اثرمندی سیاسی معلمان

- از تلاقی دو نوع اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی معلمان ، چهار حالت عمده اثرمندی سیاسی مطابق شرح جدول ۲ حاصل آمده که ذیلا به نکات عمده آن اشاره می گردد^{۴۷} :
- حالت دلگرمی سیاسی که بر مثبت بودن احساس اثرمندی درونی و بیرونی معلمان دلالت دارد با ۵۲,۸ درصد فراوانی، رایج ترین حالت اثرمندی سیاسی معلمان را تشکیل می دهد و پس از آن حالت بی تفاوتی سیاسی قرار می گیرد که ۳۹,۲ درصد از معلمان را در بر می گیرد. بی تفاوتی سیاسی برخلاف دلگرمی سیاسی، دلالت بر منفی بودن هر دو نوع احساس اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی معلمان دارد.
 - اعتراض سیاسی که دلالت بر مثبت بودن احساس اثرمندی درونی و منفی بودن اثرمندی بیرونی دارد ، ۸,۰ درصد از معلمان نیشابور را در بر می گیرد اما حالت نومیدی سیاسی که معکوس اعتراض سیاسی است، در نمونه مورد بررسی فاقد فراوانی (۰٪) بوده است.

جدول ۲: فراوانی حالات اثرمندی سیاسی در بین معلمان

^{۴۵} سوال مربوط : فکر می کنید رأی و نظر شما، به سهم خود تا چه اندازه می تواند بر تصمیمات دولت مؤثر باشد ؟

^{۴۶} سوال مربوط : فکر می کنید دولت تا چه اندازه به رأی و نظر شما (رأی دهندگان) اهمیت می دهد ؟

^{۴۷} مطابق تعریف مفهومی، چهارسخت اثرمندی سیاسی، منحصر به احساسات شفاف (بالا یا پائین) است و احساسات بینابینی را شامل نمی شود. از این رودر جدول مذکور ، پاسخ های بینابینی به هر دو سوال مربوط به اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی از محاسبه حذف گردیده اند.

کل	اثرمندی سیاسی بیرونی			تعداد درصد از کل	پائین (-)	اثرمندی سیاسی درونی
	پائین (-)	بالا (+)	کل			
۴۹	۰	۴۹	۴۹	۳۹,۲٪	۰,۰٪	
	(بی تفاوتی سیاسی)	(نومیدی سیاسی)				
۷۶	۶۶	۱۰	۷۶	۶۰,۸٪	۵۲,۸٪	
	(اعتراض سیاسی)	(دلگرمی سیاسی)				
۱۲۵	۶۶	۵۹	۱۲۵	۴۷,۲٪	۵۲,۸٪	
						کل
۱۰۰,۰			۱۰۰,۰			

توصیف عوامل موثر بر اثرمندی سیاسی معلمان

وضعیت پاسخگویان از لحاظ خصوصیات موثر بر احساس اثرمندی سیاسی که در مدل نظری تحلیل وارد گردیده اند (شکل ۲)، به شرح ذیل است:

- ترجیح سیاسی ایدئولوژیک: از لحاظ ترجیح سیاسی ۲۲,۷ درصد پاسخگویان قائل به حفظ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همین صورت کنونی هستند. ۵۸,۵ درصد قائل به اصلاح برخی از اصول قانون اساسی (اصولی که با حق انتخاب مردم مربوط می شود) و ۱۸,۸ درصد نیز به تغییر بنیادی و جایگزینی قانون اساسی معتقد هستند.
- مشارکت انتخاباتی: از مجموع ۶ انتخابات برگزار شده در ۵ سال منتهی به زمان تحقیق، در یک، دو، سه، چهار، پنج و شش انتخابات گذشته به ترتیب ۸,۶؛ ۱۶,۱؛ ۷,۵؛ ۱۴,۰؛ ۵,۴ و ۴۸,۴ درصد پاسخگویان شرکت داشته اند. میانگین مشارکت انتخاباتی در این مدت ۴,۴ مورد (از ۶) است که این مقدار بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ برابر با ۶۷,۳ می شود.
- اعتماد سیاسی: میانگین وزنی اعتماد پاسخگویان به عملکرد دولت در تامین رفاه، امنیت، آزادی و مشارکت مردم بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ برابر ۴۷,۰ و میانه آن ۴۹,۵ است. درصد فراوانی این اعتماد بر روی یک مقیاس سه درجه ای شامل اعتماد پائین، متوسط و بالا به ترتیب برابر با ۲۷,۹، ۵۰,۸ و ۲۱,۳ درصد است.
- علاقه سیاسی: میانگین وزنی علاقه پاسخگویان به سیاست (بحث و گفتگو و پیگیری اخبار سیاسی کشور) بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ برابر ۵۱,۰ و میانه آن ۵۰,۰ است. درصد فراوانی این علاقه بر روی یک مقیاس سه درجه ای شامل علاقه کم، متوسط و زیاد به ترتیب برابر با ۱۳,۸، ۷۱,۸ و ۱۴,۴ درصد بوده است.
- پایگاه اجتماعی اقتصادی: میانگین وزنی تحصیل، پرستیژ شغل و حقوق ماهیانه است که مقدار آن بر روی مقیاس ۰ تا ۱۰۰ برابر ۳۹,۸ و میانه آن ۴۲,۰ است. درصد فراوانی پایگاه بر

روی یک مقیاس سه درجه ای شامل پایگاه اجتماعی پائین ، متوسط و بالا به ترتیب برابر با ۴۱,۹ ، ۵۰,۵ و ۷,۵ درصد است.

تحلیل چندگانه اثرمندی سیاسی معلمان

برای واری مدل نظری اثرمندی سیاسی (شکل ۲) از روش تحلیل "رگرسیون لجستیک چندجمله ای" استفاده شده و نتایج عمده آن درجداول ۳ تا ۵ مندرج گردیده است. قبل از تشریح نتایج، یادآوری دو نکته ضروری به نظری رسد: نخست اینکه در تحلیل حاضر متغیر اثرمندی سیاسی تنها با دو مقوله "بی تفاوتی سیاسی" و "دلگرمی سیاسی" به عنوان متغیر وابسته مورد توجه قرار گرفته و دو مقوله دیگر آن یعنی نومییدی و اعتراض سیاسی به دلیل ناپذیر بودن فراوانی پاسخ، از شمول تحلیل خارج گردیده اند.^{۴۸} دیگر اینکه متغیرهای مستقل یابیش بینی کننده اعتماد سیاسی، علاقه سیاسی، مشارکت انتخاباتی؛ پایگاه اجتماعی و ترجیح ایدئولوژیک علاوه بر اینکه به صورت منفرد در تحلیل لجستیک اثرمندی سیاسی وارد شده اند برخی از اشکال ترکیبی (تعاملی) آنها شامل متغیر ترکیبی اعتماد، علاقه و مشارکت؛ تعامل این سه با پایگاه اجتماعی، تعامل سه متغیر مذکور با ترجیح ایدئولوژیک و همچنین تعامل هر چه پنج متغیر مستقل در مدل منتخب تحلیل لجستیک منظور شده اند.

نتایج واری تجربی مدل نظری اثرمندی سیاسی (شکل ۲) نشان می دهد که :

اولا: از بین متغیرهای پیش بینی کننده اثرمندی سیاسی، نهاد و متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی در مدل نهائی حضور معنادار پیدا کرده و دیگر متغیرها قابل اعتنا نبوده و احتمالاً تاثیر آنها بر اثرمندی سیاسی از طریق دو متغیر مذکور منتقل می شود (جدول ۳).

نتایج آزمون درست نمائی در جدول ۴ نیز به روشنی نشان می دهد مطابق معیارهای مختلف برآورد درست نمائی، مدل مذکور از درست نمائی لازم برخوردار بوده و برای پیش بینی حالت اثرمندی سیاسی (دلگرمی یا بی تفاوتی سیاسی) کاملاً مناسب و معنادار (sig=0.000) است.^{۴۹} بعلاوه نتایج جداگانه آزمون برازش مدل^{۵۰} نیز نشان می دهد داده های حاضر برای تحلیل لجستیک چند جمله ای اثرمندی سیاسی مناسب هستند.^{۵۱}

^{۴۸} اگرچه نایجیز بودن یا فقدان داده برای دو مقوله نومییدی و اعتراض سیاسی، تحلیل تجربی آنها را در این نوشتار ناممکن ساخته ، لکن نظریه همبستگی نسبتاً بالا میان احساس اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی (۰,۷۶۴)، منطقی انتظار می رود بیشترین فراوانی حالات اثرمندی همواره مربوط به دو حالت مورد تاکید در این نوشتار یعنی دلگرمی و بی تفاوتی سیاسی باشد که حاکی از همسوئی اثرمندی درونی و بیرونی است. بر همین اساس می توان گفت ارزش تجربی و نظری تحلیل دلگرمی و بی تفاوتی سیاسی فراتر از تحلیل نومییدی و اعتراض سیاسی است.

^{۴۹} فرض صفر در تابع درست نمائی حاضر، صفر بودن ضرایب مدل است. لذا معنادار بودن تابع به معنای رد فرض مذکور و درست نمائی مدل است .

^{۵۰} Goodness-of-Fit

^{۵۱} سطح معناداری آزمون نیکویی برازش برای دوآماره مربوط عبارت است از: Pearson=0.933 و Deviance=0.999 که هر دو حاکی از مناسب بودن داده ها برای تحلیل لجستیک است.

جدول ۳. نتایج آزمون اثر متغیرهای باقیمانده در مدل نهائی اثرمندی سیاسی^{۵۲}

Likelihood Ratio Tests			Model Fitting Criteria			Effect
Sig.	df	Chi-Square	-2 Log Likelihood of Reduced Model	BIC of Reduced Model	AIC of Reduced Model	
.000	1	32.673	76.449	139.447	104.449	اعتماد سیاسی
.000	1	19.688	63.465	126.462	91.465	مشارکت انتخاباتی

جدول ۴. اطلاعات درست نمائی مدل اثرمندی سیاسی

Likelihood Ratio Tests			Model Fitting Criteria		Model	
Sig.	Df	Chi-Square	-2 Log Likelihood	BIC		AIC
.000	14	78.80	43.78	111.27	73.78	مدل نهائی اثرمندی سیاسی

ثانیا: براساس نحوه محاسبه ضریب تعیین^{۵۳} مدل اثرمندی سیاسی با استفاده از سه روش متفاوت مطابق شرح جدول ۵، دو متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی، مشترکا ۵۸,۳ درصد یا ۶۴,۳ درصد یا ۷۸,۴ درصد از تغییر حالت اثرمندی سیاسی (تغییر از بی تفاوتی سیاسی به دلگرمی سیاسی یا برعکس) را تبیین می کنند؛ به عبارت دیگر با تقویت اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی با احتمال بین ۵۸ تا ۷۸ درصد، احساس اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی، همزمان مثبت گردیده و افراد از بی تفاوتی به دلگرمی سیاسی تغییر حالت می یابند.

جدول ۵. ضریب تعیین مدل اثرمندی سیاسی

McFadden	Nagelkerke	Cox and Snell
.643	.784	.583

ثالثا: بامبنا قراردادن بی تفاوتی سیاسی به عنوان گزینه مرجع^{۵۴} تحلیل اثرمندی سیاسی، مطابق جداول ۵ و ۶، اثر انفرادی هر دو متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی بر تغییر حالت اثرمندی سیاسی (از بی تفاوتی به دلگرمی سیاسی)، مثبت (افزاینده) و کاملاً معنادار است (sig=.000)؛ لکن تاثیر فزاینده اعتماد سیاسی بر تغییر حالت اثرمندی سیاسی (Wald=13.19) بیشتر از تاثیر مشارکت انتخاباتی (Wald=11.47) است. تبعاً وقتی دلگرمی سیاسی مقوله مرجع تحلیل اثرمندی سیاسی قرار گیرد، تاثیر گذاری دو متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی بر تغییر حالت ازدل گرمی به بی تفاوتی سیاسی، عکس وضعیت مذکور (تاثیر کاهنده) خواهد بود. در این صورت، علامت پارامتر بتا (B) در جدول حاضر، منفی خواهد بود (جدول ۶).

^{۵۲} سایر متغیرهای مستقل که حضور معناداری در مدل نهائی نداشته اند، از جدول حاضر حذف شده اند.

^{۵۳} Pseudo R-Square

^{۵۴} The reference category

جدول ۵. پارامترهای مدل اثرمندی سیاسی با مرجعیت مقوله بی تفاوتی سیاسی

Sig.	Df	Wald	Std. Error	B	اثرمندی سیاسی : بی تفاوتی
.000	1	13.19	.68	2.46	اعتماد سیاسی
.001	1	11.47	.32	1.08	مشارکت انتخاباتی

جدول ۶. پارامترهای مدل اثرمندی سیاسی با مرجعیت مقوله دلگرمی سیاسی

Sig.	Df	Wald	Std. Error	B	اثرمندی سیاسی : دلگرمی
.000	1	13.19	.68	-2.46	اعتماد سیاسی
.001	1	11.47	.32	-1.08	مشارکت انتخاباتی

رابعا : مدل نهائی اثرمندی سیاسی بادو متغیرپیش بین اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی ،افراد بی تفاوت سیاسی را در ۸۴٫۲درصد موارد و افراد دلگرم سیاسی را در ۹۲٫۳درصد موارد به درستی شناسائی می کند.به بیان دیگر، ضریب صحت پیش بینی مدل برای تشخیص حالت بی تفاوتی سیاسی ۸۴٫۲ درصد و برای تشخیص حالت دلگرمی سیاسی ، ۹۲٫۳ درصد است(جدول ۵).

جدول ۵. ضرایب صحت پیش بینی مدل اثرمندی سیاسی

درصد درستی	پیش بینی مدل		مشاهده شده
	دلگرمی سیاسی	بی تفاوتی سیاسی	
٪ ۸۴٫۲	۶	۳۲	بی تفاوتی سیاسی
٪ ۹۲٫۳	۴۸	۴	دلگرمی سیاسی
٪ ۸۸٫۹	٪ ۶۰٫۰	٪ ۴۰٫۰	درصد کل

بحث و نتیجه گیری

احساس اثرمندی سیاسی شهروندان یک شاخص مهم برای پی بردن به نوسانات درونی نظام سیاسی است؛ این احساس در بعد درونی دلالت بر توانائی افراد در تاثیرگذاری بفرایندهای سیاسی جامعه دارد و در بعد بیرونی دلالت بر درک پاسخگوئی حکومت دارد. از ترکیب این دو بعد، چهار حالت عمده شامل دلگرمی سیاسی، بی تفاوتی سیاسی ، نومییدی سیاسی و اعتراض سیاسی حاصل می شود.تغییر این حالات در افراد بر حسب تغییر اعتماد سیاسی، مشارکت انتخاباتی ، علاقه سیاسی ، ترجیح ایدئولوژیک و پایگاه اجتماعی اقتصادی آنها ، قابل توضیح است. با آگاهی از حالات چهارگانه اثرمندی سیاسی وعوامل تغییر آن،فهم لازم از ماهیت فعل وانفعالات درونی نظام واینکه تغییرات مذکور در جهت استحکام یازوال سیاسی است، فراهم می آید.نتایج تحلیل ثانویه حاضر به روشنی نشان داد که :

۱. اگرچه احساس اثرمندی سیاسی معلمان در هردو بعد درونی و بیرونی نسبتاً پائین بوده و عمدتاً در اطراف میانگین درنوسان است لکن شدت این احساس در بعد درونی کمتر از حد متوسط (۴۸,۹) و احساس اثرمندی بیرونی کمی بیش از حد متوسط (۵۶,۶) است.

۲. حالت دلگرمی سیاسی که بر مثبت بودن احساس اثرمندی درونی و بیرونی دلالت دارد با ۵۲,۸ درصد فراوانی، رایج ترین حالت اثرمندی سیاسی معلمان را تشکیل می دهد و پس از آن حالت بی تفاوتی سیاسی با فراوانی ۳۹,۲ درصد قرار دارد که دلالت بر منفی بودن هر دو نوع احساس اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی معلمان دارد. حالت اعتراض سیاسی ۸,۰ درصد از معلمان نیشابور را در برمی گیرد و حالت نومیدی سیاسی نیز فاقد فراوانی (۰٪) است.

۳. از بین پنج متغیر ترجیح ایدئولوژیک، پایگاه اجتماعی اقتصادی، علاقه سیاسی، مشارکت انتخاباتی و اعتماد سیاسی که پیش بینی می شد اثر تعیین کننده ای بر نوسان اثرمندی سیاسی (تغییر حالت از بی تفاوتی سیاسی به دلگرمی سیاسی و بالعکس) داشته باشند، تنها دو متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی این تعیین کنندگی را دارا هستند. تاثیر سه متغیر دیگر بر اثرمندی سیاسی از طریق دو متغیر مذکور منتقل می شود.

۴. با تقویت اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی معلمان بین ۵۸ تا ۷۸ درصد از احساس اثرمندی سیاسی آنها در ابعاد درونی و بیرونی، مثبت گردیده و در حالت دلگرم سیاسی قرار می گیرند. در این میان تاثیر اعتماد سیاسی بر دلگرمی سیاسی بیش از مشارکت انتخاباتی خواهد بود. اثر دو متغیر مذکور بر بی تفاوتی سیاسی کاهنده و بر دلگرمی سیاسی افزایش دهنده است.

۵. با آگاهی همزمان از میزان قوت و ضعف اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی معلمان بر اساس مدل پیشنهادی نوشتار حاضر، در ۹۲,۳ درصد از موارد، حالت دلگرمی و در ۸۴,۲ درصد، حالت بی تفاوتی سیاسی آنها را به درستی می توان پیش بینی نمود.

یافته های مذکور متضمن چند نکته قابل تامل است:

اولین نکته ضعف احساس اثرمندی سیاسی درونی معلمان و پائین بودن آن نسبت به احساس اثرمندی سیاسی بیرونی است. ضعف اثرمندی درونی به این نکته دلالت دارد که معلمان، ارزیابی مثبتی از فرایندهای سیاسی جامعه و توانائی تاثیرگذاری بر آنها را ندارند. ضعف این احساس در جامعه ما بیانگر این واقعیت نیز می تواند باشد که چون کنش های سیاسی، صورت جمعی و سازمان یافته (حزبی یا گروهی) ندارند، بنابراین بر آورد روشنی نیز از نتایج آن، قابل تصور نیست. در چنین وضعیتی، افراد نمی توانند به درستی سهم خود را در ایجاد نتیجه جمعی بر آورد نمایند و یا احتمالاً سهم خود را ناچیز بیندارند. اما در مقابل احساس اثرمندی سیاسی بیرونی که بر ارزیابی پاسخگویی دولت دلالت دارد، به دلیل اینکه تصور نسبتاً روشنی از توانائی و عملکرد دولت در ذهن مردم وجود دارد، این ارزیابی، کمی بهبود یافته تراست.

دومین نکته این است که فراوانی دلگرمی سیاسی در بین معلمان بیش از بی تفاوتی سیاسی و دیگر انواع اثرمندی سیاسی (نومیدی و اعتراض سیاسی) است. هر یک از چهار حالت مذکور، به نتایج متفاوتی از حیث عمل سیاسی منجر می گردد، آنچه آنکه می توان انتظار داشت حالت دلگرمی

سیاسی، به مشارکت بیشتر و بالعکس بی تفاوتی سیاسی به دلزدگی از سیاست منجر گردد. از سوی دیگر حالت اعتراضی، به ترک فعالانه سیاست و نومیدی سیاسی به ترک منفعلانه یا کناره گیری از سیاست منتهی گردد. لکن چون حالت دلگرمی سیاسی بیش از دیگر حالات اثرمندی سیاسی در بین معلمان دیده می شود، انتظار مشارکت فعالانه در فرایندهای سیاسی از جانب معلمان بیش از ترک فعالانه یا منفعلانه خواهد بود. البته مفروض چنین انتظاری این است که اعتماد سیاسی معلمان رو به کاهش نبوده و فرصت مشارکت برای آنها فراهم باشد.

سومین نکته مربوط به تعیین کنندگی اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی در ایجاد دلگرمی یا بی تفاوتی سیاسی است. بدیهی است با افزایش اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی، می توان انتظار داشت که حالت بی تفاوتی سیاسی به دلگرمی سیاسی، تغییر جهت دهد. لازمه این دگرگونی از یک سو جلب اعتماد عمومی به سیاست و فرایندهای پاسخگوئی دولت است و از سوی دیگر فراهم آوردن فرصت انتخاب شدن و انتخاب کردن برای معلمان است. بعلاوه وقتی انتظار افراد از دولت برآورده شود احتمالاً بیشتر در انتخابات شرکت خواهند کرد و کسی که در انتخابات شرکت کرده، فضا و محیط انتخاباتی را مثبت و اثربخش برای رفع نیازها و رسیدن به مطالبات ارزیابی می کند و بدین ترتیب، احساس اثرمندی سیاسی او در ابعاد درونی و بیرونی نیز بهبود پیدا می کند. نتایج مذکور موید آراء صاحب نظران و محققین سیاسی متعدد همچون پاتمن (۱۹۷۰)، رنسون (۱۹۷۴)، باربر (۱۹۸۴)، فینکل (۱۹۸۵)، اندرسون و گیلوری (۱۹۹۷)، کوهن و وستیمر (۲۰۰۶) است. چنانچه دلگرمی یا بی تفاوتی سیاسی را به ترتیب حاصل تعادل یا برهم خوردن تعادل بین احساس اثرمندی درونی و بیرونی در حوزه سیاست بدانیم، حسب نتایج مندرج در نوشتار حاضر، انتظار منطقی برای ایجاد و حفظ دلگرمی و سرزندگی سیاسی معلمان، در وهله اول این است که به انتظارات آنها از دولت بیش از گذشته پاسخ داده شده و اعتماد آنها به دولت بیشتر جلب شود و از سوی دیگر فرصت مشارکت سیاسی برای آنها بیش از گذشته فراهم آید.

منابع

راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه، منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت.

لوسین پای و همکاران (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه‌ی سیاسی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

دیوید ای. اپتر و چرلز اف. اندی پین (۱۳۸۰). اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی، ترجمه محمدرضا نصیرآبادی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹). چالش‌های توسعه‌ی سیاسی، تهران، نشر قومس.

ربیعی، علی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتار شناسی رای دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران انتشارات فرهنگ و اندیشه.

رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۰). توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.

پوپر، کارل (بی‌تا): درس این قرن همراه با دو گفتار درباره‌ی آزادی و حکومت دمکراتیک، تهران انتشارات طرح نو.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶): جامعه‌شناسی با تجدید نظر کامل و روز آمد شده، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، ویراست چهارم، تهران، انتشارات نی.

کیویستو، پیتر (۱۳۸۳). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نی.

سید امامی، کاووس (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، ۵۸-۷۷.

مقصودی، مجتبی (۱۳۸۵). مشارکت انتخاباتی اقوام در ایران، بررسی موردی: انتخابات ریاست جمهوری، فصلنامه مطالعات ملی: ۲۸، سال هفتم، شماره ۴

یوسفی علی (۱۳۸۴). تحلیل فرانظری رای، ارائه یک مدل مفهومی، مجله علوم اجتماعی، شماره ۳، دانشگاه فردوسی مشهد.

Abrahamson, P. R., Aldrich, J. H. (1982). *The decline of electoral participation in America*. American Political Science Review. 76:502-521.

Almond G. and Sidney V. (1989). *The civic culture, political attitudes and democracy in five nations*. London, SAGE publication, Inc..

Anderson, C J (2000). *Economic voting and political context : A comparative perspective*. *Electoral Studies*. 19(2/3):151-170.

Anderson C.J. , Guillory C. A. (1997), *Political Institutions and Satisfaction with Democracy: A Cross-National Analysis of Consensus and Majoritarian Systems*. The American political Science Review. 66-81.

Bandura, A. (1977). *Self-Efficacy: Toward a Unifying Theory of Behavioral Change*. psychological Review. 84: 191-215.

- Bandura A. (1982). *Self efficacy mechanism in human agency*. American Psychologist, Vol. 37, No. 2., 122-147.
- Bengtsson A. (2005). *Prerequisites for accountability and political efficacy*. From: <http://www.cses.org/plancom/2005Taipei/Bengtsson.pdf> (6.5.2012).
- Barber, B. (1984). *Strong Democracy: Participatory Politics for a New Age*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Catt H. (2005). *Children and young people as citizens: Participation, provision and protection*. 6th child and family policy conference University of Otago. From : <http://www.elections.org.nz/study/education-centre/now-or-never-lit-review.html>(9.11.2011)
- Converse, P E (1972). *Change in the American Electorate*. Pp 263-337 in A Campbell & P E Converse (eds.) *The Human Meaning of Social Change*. New York: Russell Sage Foundation.
- Easton, D (1975). *A System Analysis of Political Life*. New York: John Wiley.
- Elden, J. M. (1981). *Political Efficacy at Work: The Connection between More Autonomous Forms of Workplace Organization and a More Participatory Politics*. *American Political Science Review*, 75(1), 43-58.
- Finkel, S. E. (1985). *Reciprocal effects of participation and political efficacy: A panel analysis*. *American Journal of Political Science*, 29(4) 891-913.
- Harder J. K.(2010). *Why do people vote? The case for Political Efficacy*. <http://www.thepresidency.org/storage/documents/Fellows2008/Harder.pdf>(3.28.2012)
- Iyengar S. (1980). *Subjective Political Efficacy as a Measure of Diffuse Support*. *Public Opinion Quarterly*. 44:249-256.
- Kahne, J. ,Westheimer J. (2006). *The Limits of Efficacy: Educating Citizens for a Democratic Society*. *PS: Political Science and Politics*. April. 39(2), 289-296. <http://www.democraticdialogue.com/DDpdfs/EfficacyPS-Apr06.pdf>(4.3.2012)
- Kenski. K., Stroud, N. (2006). *Connection between internet use and political efficacy, knowledge, and participation*. *Journal of Broadcasting & Electronic media*.
- Karp J. A.,Banducci S. A. (2006). *Electoral systems and political efficacy*. Copyright university of Texas.
- Lee Kwan M.(2006). *Effects of Internet Use on College Students' Political Efficacy*. *CyberPsychology & Behavior*. Vol. 9, No. 4: 415-422.
- Lee F. (2006). *Collective Efficacy, Support for Democratization, and Political Participation in Hong Kong* , *International Journal of Public Opinion Research*

Advance Access originally published online on September 16, 2005 International Journal of Public Opinion Research,18(3):297-317.From:doi:10.1093/ijpor/edh105

Madsen, D. (1978). *A structural approach to the explanation of political efficacy levels under democratic regimes*. American Journal of Political Science, 22, 867-883.

Matheson JR, Powell JD. (1978).*Participation and efficacy, essays from comparative politics*. Cambridge, Massachusetts, Schenkman publishing company, p. 150-176

Michelson, M. (2000).*Political efficacy and electoral participation of Chicago Latinos*. Social Science Quarterly, 81(1), 136–150.

Milbrath, L., & Goel, M. L. (1977). *Political participation*. Chicago: Rand McNally.

McCluskey M. R., Deshpande S., Shah D. V., McLeod Doug M.,(2004). *The Efficacy Gap and Political Participation: When Political Influence Fails to Meet Expectations*. International Journal of Public Opinion Research, 57(4): 643-652.

Niemi, R. G., Craig, S. C., & Mattei, F. (1991). **Measuring internal political efficacy in the 1988 National Election Study**. American Political Science Review, 85(4), 1407-1413.

Parker C. S. (2009).*When Politics Becomes Protest: Black Veterans and Political Activism in the Postwar South*. The Journal of Politics, Vol. 71, No. 1, Pp. 113–131.

Powell, G. Bingham, Jr. 2000. *Elections as Instruments of Democracy:Majoritarian and Proportional Visions*. New Haven: Yale University Press.

Powell, G. ,Whitten G. (1993). *A Cross-national Analysis of Economic Voting: Taking Account of the Political Context*. American Journal of Political Science, 37, 391-414.

Pinkleton, B. E., Austin, E. W., & Fortman, K. K. J. (1998). *Relationships of political disaffection, voter sophistication, and information seeking to external efficacy and political behavior*. Journal of Broadcasting & Electronic Media, 42, 34-49.

Schneider D. (2006). *Extending Political Efficacy: Voters Perceptions of Efficacy of Elected Officials*.

<ftp://ftp.nes.isr.umich.edu/ftp/anes/OC/2006pilot/danielsc.pdf>(4.3.2012)

Sullivan, J. L. and Riedel, E. (2001).*Political Efficacy*. in N.J. Smelser and P.B. Baltes, (eds.), *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences* (Vol. 7), Oxford: Elsevier Sciences Ltd.

Tacq J. (1997).*Multivariate analysis techniques in social scieeces research from problem to analysis*.Lodon.Sage publication.

Wu, Chung Li. (2003).*Psycho-Political Correlates of Political Efficacy: The Case of*

the 1994 New Orleans Mayoral Election. Journal of Black Studies 33 (6):
729-760

Wu, Chung Li. (2003). *Psycho-political correlates of political efficacy, the Case of the 1994 New Orleans Mayoral Election. Journal of black studies*, Vol. 33 No. 6, July, p. 729-760.

Sense of political efficacy among teachers

case of study: teachers in Neishabour in 2009C

Ali Yousofi,

Associate professor of sociology, Ferdowsi University of Mashhad

Mohammad Reza Soleimani

M.A of social sciences research, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

The sense of political efficacy has two dimensions. The first is internal efficacy which indicates personal competencies for influencing on political processes and the second, external efficacy indicates personal perception of government accountability.

Composing political internal and external efficacy introduces four political positions including political assured action, apathy, protest and despondency.

Dynamics of these four are dependent upon change in levels of political trust, electoral participation, political commitment, ideological preference and social economic status.

Results of secondary analysis in a 200 people sample of teachers in Neishabour city showed that First, teachers' sense of political efficacy in its internal dimension, is lower than middle point (48.9 in a 0-100 scale) and in its external dimension is higher than middle point (56.6)

Second, political assured action (52.8) and apathy are the most frequent types of teachers' political efficacy.

Third, among other variables, political trust and electoral participation are most powerful determinants on shifting political efficacy states (from apathy to assures political action), that is 58% to 78% of shifts in efficacy states are linked to change in levels of political trust and electoral participation.

Fourth, having levels of political trust and electoral participation, it is possible to predict accurately 92.3% of apathy cases and 84.2% of assured actions.

Key concepts: Sense of internal political efficacy, sense of external political efficacy, electoral participation, political trust, political interest, political Ideological preference, Socio-economic status